نازه‌های نشر

«سیر تطور دیدگاه مفسران درباره آیات مهدویت» منتشر شد

کتاب «سیر تطور دیدگاه مفسران درباره آیات مهدویت (عصر حضور معصوم تا عصر غیبت کبری)» اثر مرتضی عبدی چاری است که در پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه در ۴۷۲ صفحه منتشر شد.

بررسی سیر تطور و نگرش‌های تفسیری مهدوی و نیز تعیین حجم و کیفیت ورود به این عرصه و بیان شاخصه‌های دوره‌ای که مفسران اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت به بحث مهدویت پرداخته‌اند، رسالت اصلی این تحقیق است و در این زمینه دیدگاه‌ها و نگرش‌های تفسیری مفسران مهدوی با رویکرد بیرونی و درجه دو دنبال خواهد شد.

اساساً این کتاب در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: دیدگاه معصومان(ع) و مفسران شیعه و اهل سنت در طول دو مقطع تاریخی عصر حضور معصومان(ع) و عصر غیبت صغری چگونه بوده و به چه موضوعاتی از مهدویت در این دو مقطع اشاره شده است؟ آیا در زمان حضور و غیبت ائمه(ع) این تطور جریان داشته یا خیر؟ آیا وضعیت و فضای زمانه در نوع نگاه مفسر تأثیر داشته است؟ با انجام چنین تحقیقی می‌توان به بخشی از شبهات مطرح درباره مهدویت در قرآن پاسخ داد.

این اثر در سه بخش و ۱۶ فصل تألیف شده است؛ نویسنده در بخش اول این اثر در ۱۲ فصل به «مهدویت در کلام راسخان فی العلم» پرداخته که در این راستا، تفسیر مهدویت در کلام رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) بیان شده است.

در دومین بخش که با عنوان «نگاه مفسران به آیات مهدویت در عصر حضور معصومان(ع)» نگارش یافته، در دو فصل به مفسران و تفاسیر شیعه و اهل سنت عصر حضور ائمه(ع) پرداخته شده که در این میان می‌توان به تفسیر ابن‌عباس، سعید بن جبیر، غریب القرآن، المجاهد، حسن بصیری، السدی الکبیر، مقاتل بن سلیمان، القرآن صنعانی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، مرویات ام‌المؤمنین(عایشه)، عبدالله بن عمر بن خطاب، ضحاک و سفیان ثوری اشاره کرد.

«نگاه مفسران به آیات مهدویت در عصر غیبت کبری» عنوان سومین و آخرین بخش این کتاب است که به مفسران و تفاسیر شیعه و اهل سنت عصر یاد شده اشاره کرده که در این بخش، تفاسیری از جمله تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، فرات کوفی، غریب القرآن ابن قتیبه، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن و تفسیر القرآن العظیم تألیف اهل سنه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: ظهور ناگهانی امام مهدی(عج) یکی از موضوعاتی است که به مفسران امام حسن مجتبی(ع) بدان اشاره شده است. آن حضرت در ذیل آیه «... لا تأتّیکم الا بغتة...» فرمودند: از جدم رسول خدا(ص) درباره ائمه(ع) بعدشان سؤال کردم. در پاسخ فرمودند: امامان بعد از من به عدد نقیبان بنی اسرائیل ۱۲ نفرند و خداوند علم و فهم مرا به آن عطا فرمود و تو ای حسن، از آن‌ها هستی. گفتم: ای رسول خدا، پس چه وقت قائم ما اهل بیت(ع) خروج خواهد کرد؟ فرمودند: همانا مَثَل حضرت (مهدی) همانند قیامت است. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است؛ جز ناگهان به شما نمی‌رسد».

دختر پیامبر خدا(ص) برای من الگوی نیکویی است.

نیم نگاه

حوزه علمیه امام جماعت تربیت نمی‌کند

وضعیت مدیریت مساجد و نهادهای متعدد فعال و اثرگذار در زمینه فعالیت و مدیریت مساجد، این روزها وضعیت نابسامانی را برای مساجد رقم زده است. اوضاعی که بعضاً خانه‌های خود را از آن سنگر بودن خود دور کرده‌اند. در تهران مرکزی به نام مرکز رسیدگی به امور مساجد وجود دارد که توانسته تا حدودی این وضعیت را سامان ببخشد؛ اما در بسیاری از استان‌های دیگر، اوضاع مساعدی حاکم نیست.

خبرگزاری فارس با حجت‌الاسلام حجت‌الله ذاکر، معاون فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران و امام جماعت مسجد جامع امام سجاد(ع) در شمال غرب پایتخت در زمینه سامان‌بخشی به وضعیت مساجد کشور گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

■ **انتقادی این روزها وجود دارد که مساجد صرفاً نمازخانه شده‌اند و افراد کهنسال در مسجد حاضرند و جوان‌ها حضور کمرنگی دارند. در مسجد شما خلاف این امر مشاهده می‌شود. چه کرده‌اید که جوانان و نوجوانان حضور پرشوری در مسجدتان دارند؟**

برای جذب مخاطب باید در مسجد به گونه‌ای عمل کرد که آقای پارچه‌فروشی بود در زمان جوانی مثلاً برای اینکه اولین لباس قبایم را از ایشان بخرم، یک بار در مغازشان رفتم، انسان خیلی خوبی بود. اما متأسفانه اسم و فامیلی ایشان را فراموش کردم. سید جوان بود. پدرم آن زمان در بین پارچه‌فروش‌ها نام و نشان داشت و در بازار یک مغازه پارچه‌فروشی برایم باز کرده بود. مثلاً در سن ۱۵ یا ۱۶ سالگی بودم. گفت می‌خواهم پسرم کاسب حبیب‌الله باشد. فرمودند کاسب حبیب خدا است. خب، ما هم کارمان را انجام می‌دادیم. گاهی مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط را اداره می‌کرد. این آقا گفتند من جوان بودم. پدرم آن زمان در بین پارچه‌فروش‌ها نام و نشان داشت و در بازار یک مغازه پارچه‌فروشی برایم باز کرده بود. مثلاً در سن پارچه چیست؟ جنس پارچه از پشم و نخ بود. من گفتم: جنس پارچه پشم است. نخش را نگفتم. نمی‌دانم این پارچه را خرید یا نخریده و رفت. وقتی مشتری رفت، شیخ رجبعلی خیاط فرمود: فهمیدی که خودت چکار کردی؟ گفتم: کاری نکردم. شیخ فرمود: وقتی این حرف را زدی شیطان پیشانی‌ات را بوسه زد و گفت قربان این صورت بروم. پارچه‌فروش تعجب کرد و گفت ما می‌خواستیم کاسب حبیب‌الله باشیم، رفیق شیطان شدیم؟ ایشان ۹۰ سالگی به آستان ملکوت پیوست. ایشان با همین پارچه‌فروشی خیاط را اداره می‌کرد. این آقا گفتند من یک پسر داشتم، اگر آدم یک کم دقت کند می‌فهمد چه آرزویی داشتند، من یک آرزویی داشتم به شیخ رجبعلی خیاط گفتم، ایشان فرمود: تو یک میدان آشغال داری، این